● سرخط

بار مضاعف زن بودن و کارگر بودن

صحبت از زنان کارگر که می شود خیلی ها می گویند: کارگرها که وضعشان از کارمندها هم بهتر است. تازه مگر کارگری زن و مرد دارد. اگر سخت است، سختی و مشکلاتش هم برای مرد است و هم برای زن. واقعیت اما اینگونه نیست و این را فقط وقتی می شود فهمید که پای صحبت زنان کارگر بنشینیم.

آنهایی که گمان می کنند وضع کارگرها خیلی هم خوب است، کارگر را در شاغلان در کارخانه های بزرگ خلاصه می کنند و می گویند: آنها که هم رسمی هستند و هم از مزایای جانبی استفاده می کنند. این در حالی است که اوضاع زنان کارگر کمی متفاوت است.

بنابر آمار رسمی شاغلان در کارخانه های بزرگ فقط بخش کوچکی از زنان کارگر را تشکیل می دهند، چرا که این کارخانه ها به خاطر تقبل نکردن تسهیلاتی مثل مهد کودک و مرخصی بارداری و زایمان، کمتر زنان را استخدام می کنند، به گونه ای که بنا به گفته فعالان کارگری، در سال های اخیر ترکیب این کارخانه ها بیشتر مردانه شده است و حتی کارهای ساده ای مثل مونتاژ که تا پیش از این کاملا بر عهده زنان بود نیز توسط مردان انجام می شود.

آن دسته از زنانی هم که شانس استخدام در این کارخانه ها را به دست می آورند، علاوه بر سختی کار کارگری، به خاطر زن بودنشان نیز متحمل برخی فشارها و تبعیضات می شوند. این فشارها اما، از جنسی نیست که بشود به خیرنگاری که برای بازدید به کارخانه رفته گفت، چون یک کلمه حرف زدن و شکایت می تواند خطر اخراج را به دنبال داشته باشد.

این تبعیضات را باید از زبان کسی شنید که خودش هم دستی بر آتش دارد و در سال های کارخانه زندگی کرده است. «مریم محسنی» که هم از فعالین کارگری است و هم در نشریه های مختلف در رابطه با مسائل کارگری می نویسد، بخشی از این تبعیضات جنسیتی را اینگونه بیان می کند: «زنان کارگر به ندرت ارتقای شغلی پیدا می کنند و بیشترشان تا زمان بازنشستگی یک کارگر ساده باقی می مانند. در حالیکه همکاران مردشان که با آنها استخدام شده اند پس از مدتی با یک آموزش کوتاه مدت به بخش های تخصصی می روند و گاها حقوقشان دو برابر می شود.»

محسنی می گوید: «تبعیضاتی که بار مضاعفی را بر دوش کارگران زن تحمیل می کند البته فقط محدود به این موضوع نمی شود و زنان معمولا از مزایایی همچون حق جذب، حق بهره وری، سختی کار و پاداش که به همکاران مردشان تعلق می گیرد بی نصیبند و حتی کارگران ساده مرد هم در ازای کار مساوی با کارگران زن، حقوق بیشتری می گیرند و توجیه این نابرابری هم همیشه این است که آنها مردند و باید یک خانواده را بچرخانند. علاوه بر آن زنان در شوراهای کارگری و تعاونی های مصرف و مسکن هم کمتر از سوی هم صنفشان پذیرفته می شوند و بنا به یک قانون نانوشته در این گونه جمع ها کمتر حقوق و منافعشان در نظر گرفته می شود.»

این البته شرح حال کارگران کارخانه های بزرگ است، که به خوشبخت ترین کارگرها معروفند و در کارگاه های کوچک، که عمدتا زیر پوشش قانون کار نیستند، زنان وضعیت دشوارتری را تجربه می کنند. در این کارگاه ها کارفرماها تمایل بیشتری به استخدام زنان دارند و حتی آنها را به مردان ترجیح می دهند. برای اینکه هم حقوقشان در اغلب موارد بین ۳۰ تا ۴۰ درصد از مردان کمتر است و هم اینکه کارفرما ملزم به پرداخت هزینه مهد کودک و دادن مرخصی زایمان نیست.

شرایط کار در این کارگاه ها دشوارتر و ناامن تر است، اما در شرایطی که زنان به مرور از کارخانه های بزرگ حذف می شوند چاره ای جز پناه آوردن به این کارگاه ها را ندارند و از همین روست که بیشتر شاغلین در کارگاه های کوچک را زنان تشکیل می دهند.

آنها هم که موفق به پیدا کردن کار در این کارگاه ها نشوند، به شرکت های پیمانکاری می روند که خدمات خانگی ارائه می دهند. این شرکت ها که هیچ قانونی بر آن نظارت نمی کند، تنها نیمی از مبلغی را که برای یک روز کار نظافتی از صاحبخانه می گیرند، به کارگر می دهند و ۵۰ درصد آن به جیب شرکت می رود.

زنان کارگری را که برای این شرکت ها کار می کنند، ساعت ۵ و ۶ صبح در صف اتوبوس هایی که از ولیعصر و راه آهن و افسریه به سمت شمال تهران می آیند می توان دید. زنانی با لباس های مندرس و چهره های تکیده که آخر شب تن خسته شان را با ۵.۴ هزار تومانی که به ازای یک روز کار گرفته اند، به خانه می برند و فردا، روز از نو و روزی از نو.

از سوی دیگر قوانینی همچون قراردادهای موقت نیز بیشترین صدمه را به زنان کارگر می زند. چرا که استخدام کارگران زن به صورت رسمی تعهداتی همچون حق سنوات، مرخصی دوران زایمان و ایجاد شیرخوارگاه و مهدکودک را بر عهده کارفرما می گذارد و کارفرما برای شانه خالی کردن از این مسوولیت ها از استخدام زنان به صورت کارگر رسمی سر باز می زند و ترجیح می دهد آنها را با قراردادهای کوتاه مدت استخدام کرده و هیچ تعهدی در قبالشان نداشته باشد. حتی در برخی کارگاه های کوچک چنانچه زنان کارگاه می گویند، علاوه بر اینکه زنان متاهل و بچه دار را استخدام نمی کنند، از زنان جوان هم تعهد گرفته می شود که در مدت زمان قرارداد حق ازدواج و بارداری ندارند.

با وجود همه این مشکلاتی که زنان کارگر دربدو استخدام و حین کار متحمل می شوند، به طور معمول در اخراج ها و تعدیل ها هم زنان در اولویت قرار دارند. وقتی جرای این سوال را از یک زن کارگر که بارها طعم اخراج و بیکاری را چشیده است، می پرسم، می گوید: «شاید یک دلیلش این باشد که کارفرماها فهمیده اند زنان کارگر معمولا یا از اخراج شدن شکایت نمی کنند و اگر هم شکایت کنند کمتر پیگیر آن می شوند. هرکدام از ما بارها بیکار شده ایم، اما کمتر توانسته ایم به حق و حقوق مان برسیم و همیشه حق مان پایمال شده. چون هم گرفتاری مان خیلی زیاد است و درس و مشق بچه ومسوولیت خانه وقتی برای دوندگی از این اداره به آن اداره نمی گذارد و هم اینکه بر خلاف مردها، ما زن ها با هم اتحاد نداریم و وقتی کار دادگاه و شکایت طولانی شود از خیرش می گذریم و مثل مردها نیستیم که جمعی شکایت کنیم و اگر یکی وسط راه برید بقیه کار را ادامه بدهند.»

و اینگونه است که متشکل نبودن زنان کارگر، حضور کمرنگشان در شوراهای کارگری، قوانین خاص همچون قراردادهای موقت و خارج شدن کارگاه های کوچک از زیر شمول قانون کار و عرف و قانون نانوشته کارگاه ها و کارخانه ها به طور مستقیم و غیر مستقیم بار مضاعفی را بر دوش زنان کارگر تحمیل می کند.

نگاهی به گزارش تحقیق و تفحص از مرکز امور مشارکت زنان

مسائل زنان در پیچ و خم سیاست

■ مریم حسین‌خواه ■

● عکس: حجت سپهوند / اعتماد ملی

هنگامی که نمایندگان مجلس هفتم در آذرماه سال ۸۳ تحقیق و تفحص از مرکز امور مشارکت زنان را تصویب کردند، کمیسیون فرهنگی مجلس، انطباق سیاست ها و عملکردها با شرح وظایف، کیفیت حضور در اجلاس بین المللی، موضع گیری مرکز در برابر اقدامات مغایر با شئونات اسلامی در سطح بین المللی، بررسی اهداف کارگاه های آموزشی - مطالعاتی، میزان بودجه تخصیصی و نحوه خرج کردن، نحوه طبقه بندی تشکل های غیر دولتی، اعتبار اختصاص یافته به این تشکل ها و چگونگی نظارت مرکز بر عملکردشان را به عنوان محورهای این گزارش اعلام کرد.

اما وقتی که این گزارش در صحن علنی مجلس قرائت شد، وضعیت سازمان های غیردولتی زنان در صدر گزارش قرار گرفت و تا قبل از قرائت گزارش، نیز تنها خبری که از تحقیقات مفصل آنها به بیرون درز کرد، مربوط به سازمان های غیردولتی زنان بود و اعلام اینکه: «سازمان های غیردولتی زنان بخشی از بیت المال را در اثبات غیر واقعی خشونت علیه زنان ایرانی به هدر داده اند.»

تحقیق و تفحص البته قرار بود که از مرکز مشارکت امور زنان به عمل آید نه از سازمان های غیردولتی زنان، اما چنانچه در ابتدای گزارش قرائت شده در مجلس آمده است، سازمان های غیردولتی آنقدر برای نمایندگان مجلس هفتم اهمیت داشته که یک سوم محورهای گزارش را به خود اختصاص دهد و در اولویت بررسی قرار بگیرد.

«فاطمه آلیا» که ریاست هیات تحقیق و تفحص از مرکز امور مشارکت زنان را بر عهده داشت، با تاکید بر اینکه عده ای از سازمان های غیردولتی زنان با هزینه بخشی از بودجه های بیت المال بر اثبات خشونت علیه زنان در پژوهش هایشان همت داشته اند، قول داده بود: «هیات تحقیق و تفحص از مرکز امور مشارکت زنان در گزارش خود سازمان هایی را که عملکردی مثبت داشته اندبه مردم معرفی می کند و در صدی که نتیجه کارشان اسراف بیت المال و در جهت اهداف سازمان های غیردولتی نبوده هم معرفی شوند.»

آلیا همچنین قبل از آنکه بررسی های هیات تحقیق و تفحص به نتیجه برسد تاکید کرده بود: «آنچه مسلم است، ماهیت و رویکرد آموزشی سازمان های غیردولتی زنان اکثرا در جهت تامین نیازهای فرهنگی و بومی جامعه نبوده است.»

«منیر آمدی قمی»، مدیر مرکز مطالعات و تحقیقات زنان این پیشداوری نسبت به سازمان های غیردولتی را یکی از ضعف های گزارش مجلس می داند و معتقد است:

«متاسفانه برخی از نماینده های مجلس یک توهمی درباره سازمان های غیردولتی دارند و فکر می کنند این NGO ها از آن طرف آب حمایت می شوند و به همین دلیل است که بخش مهمی از گزارش تحقیق و تفحص از مرکز امور مشارکت زنان به بررسی وضعیت NGO هایی که با این مرکز ارتباط داشته اند اختصاص داده شده است.»

او نداشتن شناخت از ماهیت و کارکرد سازمان های غیردولتی را نیز در این حساسیت ویژه به NGO ها موثر می داند و می گوید: « سازمان های غیردولتی یک جریان تخصصی در حوزه مسائل اجتماعی هستند و وقتی این سازمان ها می خواهند برای حل این مشکلات به دولت کمک کنند، بدیهی است که دولت هم باید آنها را حمایت کند و اسم این را نمی توان تخلف گذاشت.»

این البته همه ماجرا نیست و بخشی از مواردی هم که در زمینه سازمان های غیردولتی زنان مطرح شده، شاید به این دلیل باشد که تهیه کنندگان گزارش در جریان چگونگی ارتباط دولت و سازمان های غیردولتی قرار نداشته اند.

به عنوان مثال شکایت هیات تحقیق و تفحص از نظارت نداشتن مرکز بر سازمان های غیردولتی زنان در حالی مطرح می شود که زهرا شجاعی، رئیس مرکز امور مشارکت زنان به هیات تحقیق و تفحص پاسخ داده: «مرکز یک نهاد اجرایی محسوب نمی شود، بلکه یک نهاد ستادی و فاقد قدرت نظارت است و نمی تواند سازمانهای غیردولتی مرتبط با مرکز را کنترل کند.»

در رابطه با اعتراض به حمایت مرکز از سازمان های غیردولتی که توسط مدیران مرد اداره می شوند نیز در کتاب «مشارکت زنان و دولت هفتم» که از سوی مرکز مشارکت امور زنان منتشر شده و حاوی گزارش عملکرد، ماموریت ها و ساز و کارهای این مرکز است، مشخص شده که علاوه بر سازمان های غیردولتی زنان که مهمترین بخش اقدامات و حمایت های مرکز متوجه آنان است، سازمان های غیردولتی که در حوزه های مرتبط با مسائل زنان نیز فعالیت می کنند، از جمله مخاطبان مرکز هستند.(۱)

گذشته از این منظور از سازمان غیردولتی زنان، لزوما سازمانی نیست که همه اعضا و مدیران آن زن باشند. مشارکت مردان و زنان برای زنان نیز از جمله انواع فعالیت های سازمان های غیردولتی است و برای نمونه می توان از انجمن هستیا اندیش، موسسه تحقیقات، بازتوانی و بهبود زندگی زنان، کانون فرهنگ و توسعه پایدار و.... به عنوان سازمان هایی که زنان و مردان در کنار هم در حوزه زنان فعالیت می کنند نام برد.

این موضوع را در رابطه با بودجه اختصاص داده شده به طرح های سازمان های غیردولتی نیز می توان مشاهده کرد.چنانکه هیات تحقیق و تفحص مجلس، حکایت مالی از سازمان های غیردولتی را در زمره تخلفات می کرد، اما شجاعی در گفت و گو با خبرنگار اعتماد ملی، کمک به سازمان های غیردولتی را در قالب بند دال برنامه سوم توسعه عنوان می کند و در تصریح می کند:«ما بر اساس ردیف بودجه ای که مجلس تصویب کرده از سازمان های غیردولتی حمایت مالی کرده ایم.»

این حمایت ها آنگونه که یکی از مسوولان مرکز امور مشارکت زنان می گوید بر اساس طرح های ارائه شده از سوی سازمان های غیردولتی و انطباق آن با اولویت های مرکز به NGO ها اختصاص می یافته است و گزارش تفصیلی آن را که شامل پروژه های مشترک و کمک های بلاعوض برای تجهیز و توسعه NGO های زنان بوده، نیز می توان در شماره های مختلف مجله آوا مشاهده کرد.

مطرح کردن برخی موارد به عنوان تخلفات مرکز امور مشارکت زنان شاید بیشتر از آنکه به خاطر بار مالی آنها باشد به خاطر مخالفتی باشد که تدوین کنندگان گزارش با محتوای این فعالیت‌ها دارند

این در حالی است که اعتراض نمایندگان مجلس به چرایی و چگونگی حمایت از سازمان های غیردولتی زنان فقط یک روی سکه است و بسیاری از فعالان حوزه زنان با انتقاد به سیاست های مرکز امور مشارکت زنان، معتقدند با توجه به توانایی ها وپتانسیل های NGO های زنان، این مرکز می باید دامنه همکاری خود با سازمان های غیردولتی را گسترش می داد و پروژه های مشترکی که تحت عنوان کمک مالی در گزارش قید شده اند را به صورت فراگیرتری اجرا می کرد.

منیر آمدی قمی که ۲۰ سال است در حوزه زنان فعالیت می کند، یکی از این منتقدان است: «با وجود اینکه سازمان های غیردولتی می توانند یک پروژه را با کیفیت بالاتر و هزینه کمتر اجرا کنند، اما بودجه اختصاص یافته به این مشارکت آنقدر کم بود که موسسه ما فقط دو پروژه مشترک با مرکز امور مشارکت زنان داشت و بسیاری از طرح های خوبی که ارائه داده بودیم به تصویب نرسید.»

● زهرا شجاعی

علاوه بر این با وجود آنکه حمایت از جریانات فمینیستی و تشکل هایی که برای گسترش اهداف فمینیستی تلاش می کنند یکی از تخلفات مرکز عنوان شده، بسیاری از فعالان سازمان های غیردولتی همواره به نگاه گزینشی مرکز اعتراض داشته اند و معتقد بودند مرکز به عنوان یک نهاد دولتی در حوزه زنان موظف است از همه تشکل هایی که به مسائل زنان می پردازند و در چارچوب قانون فعالیت می کنند حمایت کند.

نگاه سلیقه‌ای در گزارش تحقیق و تفحص

از سازمان های غیردولتی که بگذریم براساس گزارش اعضای تحقیق و تفحص، سوء استفاده از مقام و موقعیت اداری و اعتباری دولتی، عدم مصرف اعتبارات در محل خود و عدم رعایت اصول و سیاستهای جمهوری اسلامی ایران از اهم تخلفات مرکز امور مشارکت زنان است.

مدیر جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان دلیل مطرح کردن برابری جنسیتی و بهداشت باروری به عنوان دوره بارز تخلف را، بیگانه بودن تدوین کنندگان گزارش با این مفاهیم می‌داند

مواردی هم که به عنوان مصادیق تخلف بیان شده اند عبارت است از: «مورد توجه قرار گرفتن بهداشت باروری دربرنامه عمل جمهوری اسلامی در مورد زنان»، «محکوم کردن هرگونه خشونت علیه زنان را از هر شکل و نوعی به استناد هرگونه عرف و سنت »، «ضرورت وجود نگرش جنسیتی در مسائل مختلف، از جمله برنامه چهارم توسعه »، برگزاری میزگردی با عنوان «برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان» و پیشنهاد اولویت هایی از جمله تقویت دسترسی دختران به آموزش متوسطه و ابتدایی، تضمین بهداشت و حقوق جنسی و باروری.

شهندخت مولاوردی، مدیر جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان یکی از دلایل عنوان کردن این موارد به عنوان مصداق بارز تخلف را، بیگانه بودن تدوین کنندگان گزارش با این مفاهیم می داند و می گوید: «به نظر می رسد در این گزارش بین برابری جنسیتی و برابری جنسی تفاوتی قائل نشده اند و آموزش بهداشت باروری را مساوی با آموزش مسائل جنسی گرفته اند.»

این مساله البته اولین بار نیست که اتفاق می افتد و هنگامی که نمایندگان مجلس هفتم «برابری جنسیتی» مندرج در برنامه توسعه چهارم را به «عدالت جنسیتی» تغییر دادند، برخی نمایندگان گمان کرده بودند «برابری جنسیتی» همان « برابری جنسی» است و به اصل موضوع معترض بودند.

در محور پنجم این گزارش که شامل بررسی اهداف و محتوای کارگاه های آموزشی، همایش ها و جشنواره ها است نیز ناآشنا بودن تدوین کنندگان گزارش با مشکلات موجود در حوزه زنان و راهکارهای آنها به چشم می خورد.به عنوان مثال در بخشی از این گزارش آمده است: «از جمله دوره های آموزشی که مرکز متولی برگزاری آن بوده است، دوره آموزشی «توانمند سازی زنان و بهداشت باروری» است در این دوره آموزشی کتابی که از انگلیسی به فارسی ترجمه شده بود تدریس شد. در قسمتی از این آموزش فقر علت اصلی فحشا معرفی شده است و حل مشکل فحشا را در گرو اشتغال زنان و رفع فقر آنان معرفی می نماید و از بحران معنویت و ارزشهای فرهنگی غفلت می شود.» در بخش دیگری از این محور هم برگزاری دوره آموزشی «بهداشت باروری» با همکاری مرکز و صندوق جمعیت ملل متحد، مورد اعتراض قرار گرفته است، برای اینکه برگزار کنندگان این دوره آموزشی: «دستور کار پکن و قاهره را در ارتباط با مسائل جنسی درایران به جریان انداختند و دراین زمینه با برگزاری دوره های متعدد و برگزاری پروژه های مشترکی با آژانس های بین المللی و با استفاده از اساتید خارجی به زبان انگلیسی جهت به جریان انداختن ملاحظات جنسیتی دربرنامه ریزی های عمرانی کوشش کردند.»

بگذریم از اینکه چنانکه شجاعی نیز تاکید می کند: «برخی موارد مطرح شده در گزارش همچون اجلاس منطقه ای «جنوب -جنوب»، سخنرانی های اجلاس آسیا - پاسیفیک در تایلند، کتابچه «زنان و امور جنسی در کشورهای مسلمان» و محتوای رشته مطالعات زنان و بحث های مطرح شده دراین رشته هیچ ارتباطی به مرکز امور مشارکت زنان ندارد» صرفا فعالیت هایی بوده که همزمان با دوران فعالیت مرکز در حوزه زنان به انجام رسیده است.»

شجاعی در رابطه با رشته مطالعات زنان، که بنا به این گزارش: « مرکز تلاقی اندیشه های فمینیستی شده است.» می گوید: « طرح درس هارشته مطالعات زنان را هم مانند رشته های دیگر، شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم طرح درس ها را تایید می کند و مرکز فقط پیشنهاد دهنده تاسیس این رشته بوده و از این مساله حمایت کرده وگرنه از لحاظ قانونی هم مرکز نمی توانسته در کار وزارتخانه دیگری دخالت کند.»

چاپ کتاب و برگزاری کارگاه آموزشی، مصادیق تخلفات مالی

از جمله تخلفات مالی مرکز که بنا به این گزارش در مغایرت صریح با مفاد قانونی است و درحکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی محسوب می شود، چاپ ۸۶ عنوان کتاب از سوی مرکز امور مشارکت زنان عنوان شده است.کتاب هایی که بنا به گزارش هیات تحقیق و تفحص: «مطابقتی با اهداف و وظایف مرکز نداشته است.» رئیس مرکز امور مشارکت زنان اما در رابطه با انتشار این کتاب ها چنین می گوید: «مرکز به موازات فعالیت های فرهنگی، برنامه ریزی و توسعه ای سعی در مستند کردن و ثبت فعالیت هایش داشته و در همین راستا کتاب هایی را که بتواند به تولید دانش در حوزه زنان و اصلاح بینش جامعه در این حوزه کمک کند، منتشر می کرد.»

گزارش عملکرد مرکز امور مشارکت زنان، دایره المعارف زن ایرانی، مجموعه قوانین و مقررات زنان به منظور تامین یک کتاب مرجع برای کمک به اصلاح قوانین موجود در حوزه زنان، خطبه های حضرت زهرا، کتابشناسی جایگاه زن در اندیشه حضرت امام، معرفت شناسی حضرت زهرا، مجموعه مقالات ارائه شده در سمینارهای مختلف مرکز در رابطه با توسعه و مشارکت اجتماعی، ۲ جلد گزارش ملی وضعیت زنان در ایران برای ارائه به مجامع بین المللی، مجموعه مقالات و سخنرانی هایی که از سوی مرکز در سمینارها و مجامع مختلف ارائه می شد و... از جمله کتاب هایی است که در این سال ها از سوی مرکز امور مشارکت زنان منتشر شده است و به گفته شجاعی «ابزاری برای تحقق اهداف محول شده به مرکز بوده است. چون به هر حال بینش جامعه را که ایفدر مورد تاکید تدوین کنندگان گزارش بوده باید از طریق چاپ کتاب و برگزاری کارگاه اصلاح کرد نه با زور و اجبار و ما سعی داشتیم این امر را از طریق انتشار کتاب هایی همچون مشارکت سیاسی زنان در اسلام به انجام برسانیم.»

از سوی دیگر روند چاپ کتاب در دولت جدید نیز متوقف نشده و مصاحبه با اولین رئیس دولت اسلامی (حضرت علی(ع)) که به مناسبت عید غدیر چاپ شد و اولین مصاحبه با زوج خوشبخت (حضرت علی و حضرت زهرا) که در روز خانواده توزیع شد، دو کتابی است که از سوی مرکز امور زنان و خانواده در دولت جدید چاپ شده است، که می تواند تاییدی بر سلیقه ای بودن اظهار نظر گزارش دهندگان باشد.

نمایندگان مجلس مصداق دیگر تصرف غیرقانونی در اموال دولتی را برگزاری کارگاه های آموزشی از سوی مرکز اعلام کرده اند و اجرای دوره های آموزشی در دانشگاه ها و موسسات آموزشی را نیز به عنوان مواردی که مرکز امورمشارکت زنان باید دردادگاه پاسخگوی آن باشد مطرح کرده اند.

مطرح کردن این موارد به عنوان تخلفات مرکز امور مشارکت زنان شاید بیشتر از آنکه به خاطر بار مالی باشد که این کتاب ها، کارگاه ها و دوره های آموزشی برای دولت داشته است، به خاطر مخالفتی باشد که تدوین کنندگان گزارش با محتوای این فعالیت ها دارند. چنانکه «عماد افروغ»، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم که طراحی سوالات گزارش تحقیق و تفحص را شخصا بر عهده داشته است می گوید: « بالاخره ما حقوق زن و مسوولیت های زن را در نظام انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی داریم دنبال می کنیم، قرار نیست با امکانات و فرصت های دولتی زمینه برای فمینیسم و لیبرالیسم و امثال ذلک فراهم شود. این نقض غرض است. این که خیلی راحت بیایند میانبر بزنند و به نام جمهوری اسلامی، سیاست های مغایر با جمهوری اسلامی را پیاده کنند، کجای دنیا این طوری است؟ این اوج حماقت است. (۲)

در هر حال فاطمه آلیا، رئیس هیات تحقیق و تفحص از مرکز مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری در مجلس هفتم، از ارجاع این گزارش به قوه قضاییه خبر داده و باید منتظر پاسخ مسوولان مرکز امور مشارکت زنان در دادگاه باشیم.

نمایندگان مجلس هفتم، البته هنوز این گزارش را به مسوولان سابق مرکز امور مشارکت زنان ارائه نداده اند، با این وجود، زهرا شجاعی، از طرح موضوع به صورت حقوقی استقبال کرده و گفت: « اتفاقا خوب است که کار به دادگاه بکشد تا ما هم بتوانیم جواب این ادعاها را بدهیم. »

با همه اینها فارغ از اینکه چه کسانی در دو طرف این ماجرا قرار دارند، موضوعی که در گزارش تحقیق و تفحص از مرکز مشارکت امور زنان، باید مورد توجه قرار بگیرد، زیر سوال بردن برخی از مسائل و مشکلات حوزه زنان و نگاه سلیقه ای و غیرکارشناسی به آسیب ها و نیازهای این حوزه است که از قرار معلوم قربانی یک دعوای سیاسی شده اند.

(۱) مشارکت زنان و دولت هفتم، پیوست پنجم، صفحه ۱۶۲
(۲) ماهنامه فرهنگی - تحلیلی سوره، شماره ۲۳

● تریبون

ابهامات یک گزارش

■ زهرا نژادبهرام ■ *

گزارش تحقیق و تفحص مرکز امور مشارکت زنان بالاخره پس از یکسال در صحن علنی مجلس قرائت شد. محوری ترین موضوع این گزارش تحقیق و تفحص از سازمان های غیردولتی زنان بود که در نوک پیکان حمله بی قانونی و قانون گریزی و ضدیتی قرار گرفت. لذا به نظر می رسد می توان با مروری بر این گزارش، برخی موارد را بانگاهی دیگر نیز مورد بررسی قرار داد. از این رو برای ورود به موضوع، در نظرگرفتن یک سری پیش فرض های ساختاری الزامی است.

۱- نمایندگان مردم موظف هستند نسبت به کارکرد تمامی دستگاه های اجرایی حساسیت داشته و فعالیت آنها را مورد بررسی قرار دهند. سهم آنان از نمایندگی تنها بررسی تصویب قانون نیست بلکه نظارت و بازرسی و پاسخ خواهی و پاسخگویی نیز بخشی از وظایف آنهاست.

۲- وقتی یک دستگاه اجرایی مورد تحقیق و تفحص قرار می گیرد ضروری است هنگام تهیه و قرائت گزارش تاییده ای را از خود مسوول گرفته و در صورت امتناع اجازه پاسخ دهی داده شود. شفافیت این الزام را برای تمامی تحقیقات متجر به تهیه گزارش ایجاد می کند که پاسخگویی شرط اساسی آن است.

این در حالی است که شنیده شده نه تنها در صحن علنی مجلس بلکه در کمیسیون فرهنگی نیز مسوول مرکز جهت ارائه پاسخ فراخوانده نشده یا حداقل گزارش آن در رسانه ها نیامده است.

۳- تهیه هر گزارش نیازمند تیم یا گروه متخصص است که با وظایف تخصصی هر دستگاه آشنایی داشته باشند اما ظاهرا این گزارش نه تنها از سوی متخصصین تهیه نشده بلکه الزام حضور نمایندگان در مراحل تحقیق و تفحص نیز رعایت نشده یا به شکل بسیار کمرنگی بوده است.

۴- تهیه گزارش تحقیق و تفحص به معنای تشریح شرایط و رفع نقاط ابهام است در حالیکه در برخی از جاهای گزارش عباراتی همچون «تبانی کردن»، «مصداق خلاف قانون» و... وجود دارد که به نوعی یادآوری صدور حکم را برافراد طرح می کند تا دریافت یک گزارش برای روشن شدن نقاط تاریک عملکرد یک دستگاه!

باتوجه به پیش فرض های ذکر شده متن گزارش در دو بخش خرد و کلان قابل بررسی است.

در بخش کلان نکات زیر از قابلیت تامل بیشتری برخوردار است:

الف) مرکز امور مشارکت زنان براساس مصوبات هیات دولت و بنابه خواست و اختیارات قانونی رئیس جمهور دقت در راستای پاسخگویی به یک نیاز اساسی تحت عنوان مطالبات زنان شکل گرفته است. یادآوری می شود در بسیاری از کشورها به منظور رفع مشکلات عدیده ای که برای نیمی از پیکر اجتماع به وجود آمده، سازمان هایی حتی تا سطوح وزارتخانه تشکیل یافته است. لذا ایجاد چنین مرکزی که مبناهای قانونی آن شاید از سوی تحقیق کنندگان کاملا شکل نگرفته مطمئنا به معنای نفی وجودی آن نیست.

ب) نقش نهادهایی از این دست در قالب تامین بودجه های مورد نیاز دستگاه های اجرایی در راستای عدفمندی و سیاستگذاری های کلان جامعه امری بدیع و ناآشنا نیست.

آنگونه که در مصوبه بودجه سال ۸۳ نیز برای نخستین بار در برنامه ریزی بودجه فعالیت های مرکز مشارکت زنان، دستگاه ها در قالب ۲۵ درصد بودجه جاری ملزم به تعیین ردیف خاصی برای عملیاتی کردن سیاست ها و اهداف شدند.

ج) موضوع تشکل های غیردولتی امروز یکی از اساسی ترین محورها برای کاهش بارسنگین مسوولیت دولت ها محسوب می شود. مشارکت مردم برای تقسیم وظایف اداره جامعه هنری ویژه برای دولتمردان است آنان با تکیه بر توان مردمی قادر خواهند بود بسیاری از مسائل کشور را برطرف و قسمتی از هزینه ها را اعم از مادی و معنوی کاهش دهند. لذا توجه به مقوله تشکل های غیردولتی که اگر نگاهی به گذشته آنان در تاریخ خود داشته باشیم نه تنها پدیده وارداتی نیست بلکه ریشه در فرهنگ این مردم دارد. یادآور می شود هر پدیده ای اگر در قالب منافع ملی و خطوط قرمز کشور تعریف شود حتی اگر در بدترین تعبیر نقش تهدید داشته باشد می تواند در شکل یک فرصت جایگاه ارزنده ای را به خود اختصاص دهد. چه رسد به آن که آن پدیده خود فرصتی کم نظیر برای رشد و توسعه کشور باشد.

در بخش خرد نیز باید توجه داشت:

۱- رسیدگی به حساب های مالی مرکز و نحوه پرداخت ها و دراختیار گرفتن گزارش عملکرد الزامی است که در پیش فرض ها نیز بر آن تاکید شد. لذا اگر چنین اتفاقی نیفتاده می بایستی مسوولان امر نسبت به آن پاسخگو باشند. ولی حداقل در خصوص پروژه ملی توانمندسازی تشکل های غیردولتی زنان گزارش جامعی از نحوه انجام فعالیت به انضمام متون آموزشی و نحوه هزینه کرد درآمدها و ... ارائه شده است.

۲- شرکت ومطبوعات باعثیت به رویکرد دانش محوری که مقام معظم رهبری همواره نسبت به آن تاکید داشته اند و در مبانی دینی میبن اسلام نیز بر آن تاکید شده نه تنها خیلی بلکه اتفاق بزرگی است که دست اندرکاران امر تحقیق و پژوهش را نسبت به این رویکرد مهم یاری داده است.

۳- در اختیار قراردادن بودجه تحت عنوان کمک به تشکل های غیردولتی زنان آنگونه که در سال ۸۰ برای تمامی آنها به شکل عام قرار گرفت فرصتی بود که سازمان های نوپا را دریافت این کمک ها با امنیت بیشتری برای ادامه فعالیت همراه ساخت. محققین و تهیه کنندگان گزارش مطمئنا بر این نکته اتفاق نظر دارند که بایستی برای ارتقا و توسعه سطح مشارکت زنان دولت ها از طریق مراکزی همچون مرکز امور مشارکت زنان و خانواده در قالب سازمان های مالی و معنوی کمک هایی را انجام دهند. آنگونه که شاید بسیاری از مراکز تحقیقی پژوهشی فرهنگی و آموزشی همچون کانون های فرهنگی شهرداری، حوزه های علمیه خواهران و ... از سوی دیگر مراکز تحت مساعدت های مالی قرار می گیرند.

در خاتمه باید توجه داشت جمهوری اسلامی ایران امروز در عرصه بین الملل نیازمند تعاملی مثبت و جهت دار در جهت تبیین اهداف بلند انقلابی است که با همت زنان و مردانی شکل گرفته و پاسخگویی به نیازهای آنان از وظایف اولیه قوه مجریه و مقننه است.

لذا ضمن آنکه گزارش تهیه شده نیازمند بازنگری بیشتر وتحلیل گسترده تری است یادآور می شود روش های توسعه فرهنگ دینی امروزه تحت تاثیر تعبیرهای متعددی است که به کارگیری شیوه های جدید را طلب می کند. از این رو آموزش و نقد توأمان فرصتی پرارزش برای دستیابی به تشرفرهنگ دینی اسلام خواهد بود که قاعدتا عرصه های اجرایی قانونگذار از ارکان اصلی آن محسوب می شوند.

* مدیرکل سابق دفتر اجتماعی و انتخابات استانداری تهران و مدیر پروژه ملی توانمندسازی تشکل های غیردولتی زنان در سال ۸۰